



دیدگاهها

روسها درباره آلمان و آلمانی‌ها چه نظری دارند؟

در اکتبر سال ۱۹۹۶ انستیتوی غیروابسته مسائل اجتماعی و ملی روسیه بنابه سفارش بنیاد اپرت، یک نظرسنجی تحت عنوان «روسها درباره آلمان و آلمانی‌ها چه نظری دارند؟» برگزار کرد. در مجموع، ۱۷۵۰ نفر از اقشار اساسی اجتماعی - حرفه‌ای اعم از کارگران، مهندسان، معلمان، کارفرمایان مورد نظرسنجی قرار گرفتند. نظرسنجی در ۱۶ منطقه روسیه برگزار شد.

در پرسشنامه روسی یک‌رشته سؤالات از نظرسنجی «روسیه از دیدگاه آلمانی‌ها» گنجانیده شد که در ماه مه ۱۹۹۶ توسط مؤسسه مطالعه اقوام آلتسباخ برگزار شد. به این ترتیب، نظرسنجی انستیتوی غیروابسته مسائل اجتماعی و ملی روسیه نشان داد، دیدگاههای روسها و آلمانی‌ها درباره مسائل مناسبات بین دو کشور و دو ملت تا چه اندازه‌ای با هم مطابقت دارند.

زمینه مهم مناسبات سیاسی بین آلمان و روسیه، گذشته تاریخی است که به صورت تجربه شخصی ترازیک زمان جنگ در اذهان روسها زنده است یا به عنوان تاریخ وطن در نظر گرفته می‌شود. این کلیشه‌های ذهنی بر اعتقادات سیاسی مردم تأثیر می‌گذارند. اما خاطره تاریخی ملتها می‌تواند دگرگون شود. این امر در زمینه ارزیابی مناقشات اصلی بین روسیه و آلمان، از سوی روسها و آلمانی‌ها، آشکار می‌گردد.

در میان روسها و آلمانی‌ها عده‌ای معتقدند که خاطره دو جنگ بین آلمان و روسیه دو ملت را متحد می‌کنند؛ در حالی که دیگران بر نقش جداکننده این خاطرات پافشاری می‌کنند. برای ارزیابی پاسخها به این سؤال میزان معتقدان به نقش جداکننده این خاطرات اهمیت دارد که در میان روسها این میزان برابر ۳۷ درصد است و در میان آلمانی‌ها، ۵۶ درصد. همان‌طور که می‌بینیم، روسها تسامح بیشتری از خود نشان می‌دهند.

ممکن است این امر ناشی از آن باشد که در آستانه پنجاهمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم در سینما و تلویزیون آلمان یک سلسله فیلمهایی نشان داده شدند که به‌طور

بی‌پرده آخرین روزهای رایش هیتلری و رفتار سربازان پیروزمند روس را توصیف کردند؛ ولی در عین حال تشریح نکردند، چرا ارتش شوروی وارد برلن شد. اکثریت روسها بخاطر ذهنیت پیروزی در جنگ، بیشتر مایل‌اند از گناهان دشمن سابق بگذرند.

نتایج این نظرسنجی حاکی از آن است که با وجود اینکه زمان بتدریج تفاوتها در تعبیر جنگ را از بین می‌برد، با این حال حدود یک‌سوم مردم روسیه، حتی نوجوانان کشور، طرفدار نظریه «جدایی» هستند.

این نکته بویژه مهم است که برخورد روسیه با آلمانی‌ها کمتر بدان وابسته است که در خاک استان آنها نبردهای شدید و خونین جنگ رخ داده است یا خیر. شاخص نظریه «جدایی» به تفکیک منطقه‌ای در نوسان بین ۲۵-۲۲/۵ درصد (مناطق و روزهو کورسک که صحنه عملیات جنگی خونین سال ۱۹۴۳ بودند) و ۵۵-۴۹ درصد (ولادیوستوک که در آنجا عملیات جنگی نبود، و منطقه راستوف که در سال ۱۹۴۲ در آنجا نبرد برای شمال قفقاز رخ داد) است. این تفاوت‌های قابل ملاحظه ناشی از وجود یا عدم وجود تماس‌های شخصی با آلمانی‌ها در سالهای اخیر است. در جایی که این تماسها برقرار شدند، تمایل به آشتی و شناخت همدیگر بیشتر است.

در مجموع، در افکار عمومی روسها، سیمای جنگ کبیر میهنی کماکان عامل اصلی برخورد با آلمان است: اکثریت مردم با ذکر کلمه «آلمان» (۵۳/۵ درصد) به یاد جنگ می‌افتند. این امر بویژه در مورد نسل بزرگتر صحت دارد. فقط عده قلیلی از روسها گفتند که کلمه «آلمان» آنها را به یاد کمپانی‌های بزرگ (۱۱/۳ درصد)، فرهنگ بالای معیشتی و تمیزی شهرهای آلمانی (۱۵/۲ درصد) و متفکران و هنرمندان کبیر آلمانی (۸/۷ درصد) می‌اندازد. برداشت آلمانی‌ها از روسیه به اندازه بیشتری توسط واقعیات زندگی معیشتی و کلیشه‌های زمان اخیر تعیین می‌شود: «در روسیه فقر زیاد است» - ۹۱ درصد، «آنجا همه چیز در دست مافیا است» ۵۸ درصد و غیره.

به مرور زمان و کاهش طبیعی افراد نسل بزرگتر، تأثیر «عامل جنگ» بر برخورد کلیشه‌ای روسها با آلمان بازم بیشتر کاهش خواهد یافت. اما فعلاً معلوم نیست کدام عوامل تعیین‌کننده خواهند شد. اگر نخبگان سیاسی و اقتصادی آلمان می‌خواهند چهره مثبت آلمان را در اذهان روسها تحکیم کنند، آنها باید هم اکنون در این جهت کوشش کنند.

نتایج نظرسنجی درباره اتحاد آلمان در سال ۱۹۹۰ که رویداد مهمی برای سرنوشت آلمان و تمام اروپا در دوران بعداز جنگ بود، جالب توجه است. برخلاف دیدگاه برخی از سیاستمداران و تاریخدانان آلمانی، اتحاد آلمان در اذهان روسها کلیشه‌های منفی ایجاد نکرد. در هر حال، ۵۷/۷ درصد روسها این روند را مشروع و از جمله، ۳۷/۸ درصد آن را موجه می‌دانند. البته، عده‌ای هستند که آن را اشتباه سیاسی میخائیل گورباچف (۹/۹ درصد) یا

شکست بزرگ سیاست خارجی اتحاد شوروی (۱۰/۴ درصد) محسوب می‌کنند. عمدتاً افراد بالای ۶۰ سال این اعتقادات را دارند.

در مجموع، می‌توان گفت که برخورد روسها با رویداد تاریخی که دور جنگ سرد خط کشید و موجبات افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی آلمان در اروپا را فراهم کرد، مثبت است. این امر زمینه‌ساز حسن همجواری دو کشور بزرگ قاره اروپا می‌باشد. البته، این امر بدان معنی نیست که در مناسبات روسی - آلمانی هیچ مشکلی نیست.

چه چیزی مانع از برقراری روابط خوب می‌شود؟

اکثریت مردم روسیه (۵۷/۳ درصد) نسبت به آینده خوشبین هستند و اطمینان دارند که این مناسبات خوب خواهد بود. البته، روسها از آلمانی‌ها خوشبین‌تر هستند.

همه نسلهای روسها و بویژه جوانان شریک این خوشبینی هستند. با رشد درجه تحصیل اعتقاد به خوب ماندن مناسبات بین روسیه و آلمان افزایش می‌یابد: ۵۶ درصد افراد با تحصیلات متوسط و ۶۵/۶ درصد دارندگان تحصیلات عالی این دیدگاه را دارند.

این خوشبینی همه‌جا حکمفرما است، غیر از کالینین‌گرا. اگر در همه مناطق کشور ۵۵ تا ۶۷ درصد به آینده خوب مناسبات با آلمان اعتقاد دارند و تنها ۱۵ تا ۲۷ درصد در این مورد شک و تردید ابراز می‌کنند، در کالینین‌گرا فقط ۳۴ درصد خوشبین هستند و ۳۸ درصد شکاک. به احتمال قوی، ما با ذهنیت «قلعه محاصره شده» روبه‌رو هستیم که برخلاف سیاست رسمی آلمان نسبت به منطقه کالینین‌گرا، توسط برخی از سیاستمداران محلی تحریک می‌شود.

هرچند که اکثریت روسها نسبت به آینده مناسبات روسی - آلمانی خوشبین هستند، ۵۹/۱ درصد به وجود مسائل و تضادها اشاره می‌کنند. تنها ۸/۵ درصد روسها اعتقاد دارند که روسیه و آلمان با هم مشکلی ندارند؛ ۳۲/۴ درصد نتوانستند پاسخ دهند.

به عقیده روسها مسائل ذیل بیش‌تر از همه بر مناسبات روسی - آلمانی تأثیر منفی می‌گذارند:

۱. ادعاهای آلمان به منطقه کالینین‌گرا (سرزمین سابق پروس) - ۱۵/۳ درصد؛
۲. نارضایتی آلمان از نحوه حل مسائل آلمانی‌های روسی - ۱۵/۲ درصد؛
۳. بی‌میلی روسیه به اعاده ارزشهای فرهنگی به آلمان - ۱۴/۲ درصد؛
۴. نارضایتی روسیه از حمایت آلمان از طرح توسعه ناتو به شرق - ۸/۸ درصد؛
۵. نارضایتی روسیه از معاوضه مالی دارایی روسی در خاک آلمان شرقی سابق -

۳/۶ درصد؛

۶. نارضایتی آلمان از ضرر ناشی از استقرار نیروهای شوروی در خاک آلمان شرقی

سابق - ۳/۳ درصد؛

۷. مماطلة روسیه با بازپرداخت بدهی‌های خود به آلمان - ۳ درصد؛

۸. فعالیت مافیای روسی در آلمان - ۳ درصد؛

۹. نگرانی آلمان از رخنه مواد رادیوآکتیو از روسیه به آلمان - ۲/۹ درصد.

باتوجه به اینکه حداقل دو مسئله از فهرست فوق تخیلی هستند (مسئله کالینینگراد و بازپرداخت قرضهای روسی به آلمان) و مسائل دیگر توسط مطبوعات مبالغه می‌شوند و در مناسبات بین دولتی نقش چندانی ایفا نمی‌کنند، معلوم می‌شود که فقط ۳ مسئله مهم وجود دارد که دو مسئله ناشی از ادعاهای آلمان (وضعیت آلمانی‌ها در روسیه و اعاده ارزشهای فرهنگی) و یک مسئله به صورت متقابل از سوی روسیه مطرح می‌شود (نارضایتی از برخورد آلمان با توسعه ناتو).

مهم این است که افرادی که به این مسائل اشاره کردند، عمدتاً معتقدند که ادعاهای آلمان به مناسبات دوجانبه لطمه بیشتری می‌زنند تا نارضایتی متقابل روسیه.

در هر حال، ۳۵/۳ درصد مردم معتقدند که رهبران روسیه باید بیشتر به توسعه مناسبات با آلمان توجه داشته باشند. قبل از همه جوانان و نسل متوسط - ۴۰ درصد - (در میان افراد بالای ۶۰ سال این میزان معادل ۲۱ درصد است) و شهروندان با تحصیلات عالی - ۵۳ درصد - شریک این دیدگاه هستند. ۳۳/۷ درصد مردم لازم می‌دانند که مناسبات روسی - آلمانی در سطح فعلی حفظ شود. ۱۳/۹ درصد لزومی نمی‌بینند که توسعه این مناسبات تشویق شود. این گروه از افراد بالای ۶۰ سال (۱۹/۲ درصد) و افراد با تحصیلات متوسط (۱۶ درصد) متشکل است.

به این ترتیب، اکثریت شهروندان روسیه معتقدند که باید با آلمان روابط خوبی برقرار کرد و این مناسبات را تحکیم نمود. این بدان معنی است که آنها مسائل و تضادها بین دو کشور را به عنوان موانع رفع نشدنی که می‌توانند جریان مثبت توسعه دیالوگ دولتی - سیاسی بین روسیه و آلمان را مختل سازد، تعبیر نمی‌کنند.

تحولات ده‌ساله اخیر در روسیه بر جوابهای شرکت‌کنندگان در نظرسنجی درباره سیاست خارجی آلمان تأثیر قابل توجهی گذاشتند. روسها بیشتر مشغول مسائل روزمره زندگی خود و مبارزه سیاسی داخلی هستند و کمتر به مسائل سیاست جهانی توجه می‌کنند که در دوران برژنف و گورباچف مهم جلوه می‌کردند. در این رابطه تصادفی نیست که مردم روسیه از سیاست آلمان در اروپا کمتر اطلاع دارند (۳۸/۸ درصد آنها از این موضوع مطلع نیستند). به همین دلیل افکار عمومی روسیه نمی‌تواند این سیاست را به طور کامل و جامع ارزیابی کند.

در اینجا در افکار عمومی روسها سه نکته ذیل حکمفرما هستند:

۱. آلمان می‌خواهد بر اروپا سیطره کند تا منافع اقتصادی خود را تأمین نماید - ۲۶/۱ درصد؛
 ۲. آلمان می‌خواهد به‌طور مسالمت‌آمیز به اهدافی دست یابد که نتوانست از طریق جنگ تحقق بخشد - ۱۸/۸ درصد؛
 ۳. آلمان می‌خواهد اروپا را متحد کند که دیگر جنگ رخ ندهد - ۱۴/۲ درصد.
- نظر مردم دربارهٔ کمک فنی آلمان به روسیه باز هم مبهم‌تر است. باید اشاره کرد که بخش قابل توجه مردم کمک فنی (مساعدت به اجرای اصلاحات) را جزو کمکهای انسانی محسوب می‌کنند که موجب پیدایش حس خجالت و انزواطلبی می‌گردد. تنها ۱۵/۷ درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی از این کمکها استقبال می‌کنند؛ در حالی که ۳۲ درصد به دلایل مختلف از آن خجالت می‌کشند. کارکنان واحدهای خصوصی از کمک فنی آلمان به روسیه استقبال می‌کنند. آنها طرفدار افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد روسی هم هستند.

برخورد روسها با آلمانی‌ها

برخورد روسها با آلمانی‌ها عمدتاً براساس اندیشه‌های برگرفته شده از کتب، سینما، رسانه‌های گروهی و تماسهای شخصی استوار است. ۱۰/۷ درصد پرسش‌شدگان به آلمان رفتند و ۱۳/۴ درصد آنها در آلمان خویشاوندان و دوستان دارند. این امر از درجهٔ بالای تماسهای شخصی حکایت می‌کند. ۱/۷ درصد به زبان آلمانی تسلط خوبی دارند و ۱۰/۵ درصد می‌توانند با کمک فرهنگ لغت به آلمانی صحبت کنند. ۳۹/۵ درصد فقط چند کلمهٔ آلمانی بلدند.

نسل جوان زبان آلمانی را بهتر می‌دانند. از افراد زیر ۲۱ سال، ۲/۹ درصد به نحوی آلمانی بلدند در حالی که در میان شهروندان بالای ۶۰ سال این میزان برابر ۰/۸ درصد است. ۹/۴ درصد و ۵/۴ درصد به ترتیب گروههای سنی مذکور می‌توانند با کمک فرهنگ لغت صحبت کنند.

افراد نسل متوسط و مسن‌تر بیشتر از دیگران به آلمان سفر کرده‌اند. این تماسهای نسبتاً گستردهٔ توریستی و کاری باعث رفع کامل سدهای تاریخی، فرهنگی و ذهنی نشده است. ممکن است این امر تأثیر گذاشته باشد که تماسهای زیادی در «زندگی دیگر»، در دوران وجود اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک آلمان، صورت گرفته بودند. اکنون این روابط صادقانه محسوب نمی‌شوند. در هر حال، اکنون فقط ۲۸/۴ درصد روسها نسبت به آلمانی‌ها ارادت دارند.

با این حال، این میزان از میزان کسانی که نسبت به آلمانی‌ها احساس دوستی ندارند، (۲۲ درصد) بالاتر است. شایان ذکر است که در آلمان وضع از این بدتر است و تنها ۲۵ درصد

مردم به روسها علاقه دارند در حالی که ۲۹ درصد دوست روسیه نیستند. میزان علاقه‌مندان به آلمان در میان جوانان روس در سن زیر ۲۱ سال از همه بالاتر بوده و معادل ۳۴/۸ درصد می‌باشد؛ در حالی که افراد بالای ۶۰ سال به میزان ۱۹/۲ درصد شریک این احساسات می‌باشند. در گروه‌های مختلف اجتماعی، بالاترین سطح علاقه به آلمان در میان کارفرمایان (۵۲/۲ درصد) و روشنفکران (۴۱/۱ درصد) مشاهده می‌شود در حالی که بازنشستگان (۲۰/۹ درصد)، کارگران (۲۴/۴ درصد) و دهقانان (۲۹/۱ درصد) کم‌تر از همه شریک این احساسات هستند.

علاقه به آلمانی‌ها در مناطق مختلف کشور نیز فرق می‌کند. کم‌تر از همه ساکنان کالینینگراد، راستوف و ولادی‌وستوک به آلمانی‌ها علاقه‌مندند ولی ساکنان سنت‌پترزبورگ، سیکیوکار، سمولنسک، ورونژ، ساراتف، کمروو و کراسنویارسک علاقه بیشتری از خود نشان می‌دهند.

این تفکیک منطقه‌ای حاکی از آن است که نه تنها خاطرات جنگ گذشته بلکه عوامل دیگری بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارد؛ از جمله سیاست برخی از رهبران مسکو و مناطق که به‌طور آگاهانه از عامل مبارزه با «بیگانگان» استفاده می‌کنند.

نتایج دوفظرسنجی گواه بر آن هستند که روسها و آلمانی‌ها نسبت به همدیگر بی‌اعتمادی قابل توجهی دارند. در آلمان بیش از نیمی از پرسش‌شدگان به روسها اعتماد نمی‌کنند؛ در حالی که این شاخص در میان روسها از ۵۰ درصد پایین‌تر است. «ضریب بی‌اعتمادی» (تناسب اعتماد و عدم اعتماد) روسها برابر ۲/۹۴ است و آلمانی‌ها ۰۷/۴.

این امر می‌تواند عجیب و غریب به نظر برسد زیرا که سطح علاقه متقابل، اطمینان به آینده مثبت مناسبات دوجانبه و یک رشته شاخصهای دیگر زمینه را برای این سطح پایین اعتماد متقابل ایجاد نمی‌کند. ولی خودآگاهی ملی دو ملت با توجه به تجربه تاریخی دستخوش بدبینی زیادی می‌شود. به همین دلیل توسعه مناسبات بین دو کشور در سطح شخصی بسیار مهم است.

در هر حال، سطح پایین اعتماد به آلمانی‌ها با عدم آگاهی به فرهنگ و تاریخ آلمان و برداشت منفی افکار عمومی از خصلت ملی آلمانی‌ها ارتباطی ندارد. در جریان نظرسنجی معلوم شد، روسها کدام مشخصات اخلاقی را مخصوص خود و آلمانی‌ها می‌دانند.

به شرکت‌کنندگان در نظرسنجی پیشنهاد شد که از فهرست طولانی، مشخصات معمولی برای شهروندان هر کشور را انتخاب کنند. در نتیجه چنین تصویری کشیده شد: سه مشخصه اساسی آلمانی‌ها عبارت‌اند از دقت در کار (۸۹/۶ درصد)، حسابگری (۷۲/۵ درصد) و کاردوستی (۶۹/۴ درصد). ویژگی‌های ملی روسها شامل مهمان‌نوازی (۸۹/۴ درصد)، مهربانی (۸۱/۶ درصد) و بدقولی (۶۴/۷ درصد) هستند.



جالب توجه است که اگر در «فهرست آلمانی» بعد از سه خاصیت اول، وقت‌شناسی (۶۷/۴ درصد) و قانون پرستی (۶۷/۱ درصد) ذکر می‌شوند، در فهرست روسی به «بی‌نظمی» (۵۹/۹ درصد) و لابی‌گری (۵۰/۱ درصد) اشاره می‌شود. همان‌طور که می‌بینیم، روسها از خود انتقاد می‌کنند.

ضمن جمع‌بندی نتایج این نظرسنجی، می‌توان گفت که بخش عمده روسها برای توسعه مناسبات روسیه با کشورهای غربی اولویت قایل هستند. ارزشمندترین تجربه خارجی برای ایجاد اقتصاد بازاری و دولت دموکراتیک مبتنی بر موازین حقوقی در روسیه، تجربه جمهوری فدراتیو آلمان، ژاپن و ایالات متحده محسوب می‌شود.

روسها عمدتاً سطح موجود مناسبات بین روسیه و آلمان را مثبت ارزیابی کرده و نسبت به آتیه این مناسبات خوشبین هستند. تضادها و مسائل موجود در این مناسبات به‌عنوان مسائل حل‌نشده تلقی نمی‌شوند. برخورد روسها با آلمان به‌عنوان یک کشور از برخورد روسها با آلمانی‌ها بهتر است (البته، این برخورد از برخورد آلمانی‌ها با روسها نیز بهتر می‌باشد).

نمایندگان گروههای سنی جوان‌تر (زیر ۴۰ سال) و تحصیلکرده‌تر و نیز ساکنان شهرهای بزرگ، کارشناسان و روشنفکران بیشتر به آلمان و آلمانی‌ها علاقه دارند. در افکار عمومی روسها عواملی کشف نشده‌اند که ممکن است باعث تیرگی روابط بین روسها و آلمانی‌ها شوند. به احتمال قوی، به مرور زمان نقش عوامل منفی تاریخی (جنگ) بازم بیشتر تضعیف خواهد شد و زمینه مثبت اجتماعی - روانی برای تعمیق و توسعه تماسهای متقابل فراهم خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فقر و اغنیا در روسیه

اعجاب آور است! بحران اقتصادی و بهبودی وضع زندگی؟ مسکو را به حق می‌توان شهر میلیونرها نامید. حد متوسط درآمد سرانه هر ساکن پایتخت بیش از دوونیم میلیون روبل و حد متوسط دستمزد ماهانه یک فرد در مسکو یک میلیون و دویست هزار روبل است. آری، حد متوسط درآمد سرانه تمام ساکنان کشور در ماه سپتامبر بنابه ارزیابی رسمی ۸۱۰ هزار روبل بود. اگر این امر را به حساب آوریم که حداقل زندگی در همین ماه در سطح ۳۷۰ هزار قرار داشت، این‌طور به نظر می‌رسد که مشکل بتوان تصویر بهتری برای بحران اقتصادی موجود ترسیم کرد.

اما حيله‌گری این اعداد در همین امر نهفته است. آنها باعث می‌شوند که درباره

